

وَلَهُمْ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَرُوبًا ﴿۱۱﴾

وهریک از ایشان آینده است پیش وی روز قیامت تنها (۹۵) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿۱۲﴾

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند پیدا خواهد کرد برای ایشان خدادوستی را<sup>(۱)</sup> (۹۶) .

فَأَنصَبْ لَهُمْ قُلُوبًا مِّمَّا بَلَّغْنَاكَ الْبَشَرِ بِهِ لِيُنَبِّئَهُمُ اللَّهُ وَأَنْتَ فِيهَا بِصُورٍ كَثِيرٍ ﴿۱۳﴾

جزاین نیست که آسان ساختیم قرآن را بزبان تو تا مرزده دهی بآن متقیان را و بترسانی به آن گروه ستیزندگان را (۹۷) .

وَلَمْ أَهْلِكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هَلْ يَفْقَهُ مِنْهُمْ مَنْ أَحَدٍ ۚ وَتَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿۱۴﴾

و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم آیامی بینی هیچ کس را از ایشان یامی شنوی از ایشان آواز آهسته (۹۸) .

سوره طه مکی است و آن یک صدوسی و پنج آیت و هشت رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ طه ﴿۱﴾

مَا تَرَكْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿۲﴾

فرونه فرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی (۲) .

إِلَّا تَذَكَّرُ ۚ كَرَّةً لِمَنْ يَفْشَى ﴿۳﴾

لیکن فرو فرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد (۳) .

تَنْزِيلًا لِمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ﴿۴﴾

فرو فرستادن از جانب کسیکه آفریده است زمین را و آسمانهای بلند را (۴) .

أَلْرَحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿۵﴾

وی بسیار بخشاننده است بر عرش قرار گرفت (۵) .

لَهُ تِلْكَ السَّمَوَاتُ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست

(۱) یعنی بایک دیگر دوست باشند .

وَأَنْجِه زِيرخَاكِ نَمْنَاكِ سِت (٦) .  
 و اگر آشکارا کنی سخن را پس وی میداند  
 سخن پنهان را و پنهان تر را<sup>(١)</sup> (٧) .  
 خدا آنست که هیچ معبود برحقى نیست  
 مگر وی مرا راست نامهای نیکو (٨) .  
 و آیا آمده است بتو خبرِ موسیٰ (٩) .  
 چون دید آتشی پس گفت اهل خود را  
 درنگ کنید هرآینه من دیده ام آتشی  
 امید دارم که بیارم پیش شما از آن آتش  
 شعله ای یابیم بر آن آتش راه نمای (١٠) .  
 پس چون بیامد نزدیک آتش آواز داده شد  
 که ای موسیٰ (١١) .  
 هرآینه من پروردگار تو ام پس از پابرون  
 کن نعلین خود را هرآینه تو بمیدان پاک  
 طوی هستی (١٢) .  
 و من برگزیدم ترا پس گوش بنه بسوی  
 آنچه وحی فرستاده می شود (١٣) .  
 هرآینه من خدایم نیست هیچ معبود  
 برحق غیر من پس عبادت من بکن  
 و برپا کن نماز را برای یاد کردن من (١٤) .  
 هرآینه قیامت آمدنی است میخواهم که  
 پنهان دارم وقت آن را تا جزا داده شود هر  
 شخصی بمقابله آنچه می کند (١٥) .  
 پس باید که باز ندارد تراز باور داشتن آن  
 کسی که ایمان ندارد بر آن و پیروی کرده  
 است خواهش نفس خود را آنگاه هلاک

وَمَا تَحْتِ النَّبِيِّ ①  
 وَإِنْ تَجْهَرِ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ②  
 إِنَّهُ لَكَلِمَةُ الْإِسْمَاءِ الْحُسْنَى ③  
 وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ④  
 إِذْ رَأَاهُ فَقَالَ لَإِنِّي لَهُ مُنْجُوٌّ إِنَّكَ نَارُ الْعَالَمِينَ ⑤  
 إِنِّي لَأَخْبِرُكُمْ بِمَا يَأْتِيكُمْ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ⑥  
 فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمْوَسَى ⑦  
 إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ  
 طَوًى ⑧  
 وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ⑨  
 إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ  
 لِذِكْرِي ⑩  
 إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيَجْزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا  
 تَسْعَى ⑪  
 فَلْيَصْذَقْ لَهَا مَنْ لَدُونِهَا وَأَتَّبِعْهُ هُوَ أَهْوَى ⑫

(١) یعنی جهر را بطریق اولیٰ میداند .

شوی (۱۶) .

وَأَتَاكَ بِبَيْتِكَ مُوسَى ۱۵

وچیسست این بدستِ راست توای موسی  
(۱۷) .

گفت این عصای من ست تکیه می کنم  
بر آن و برگ میریزم بآن برگوسفندان خود و  
مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست  
(۱۸) .

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَلَّوْا عَلَيْهَا وَأَهشَبْ بِعَاغِلِ غَنَمِي لِي أَخِذَ بِهَا  
مَارِبَ أُخْرَى ۱۵

گفت بافکن آنرا ای موسی (۱۹) .

پس بافگندش پس نا گهان ماری شد  
دوان (۲۰) .

قَالَ أَلْقَاهَا لِيُوشِيَ ۱۵

فَأَلْقَاهَا فَاذْأَبَى حَيَاتِهِ تَسْعَى ۱۵

گفت بگیر این را و مترس باز خواهیم  
گردانید اورا بشکل نخستین او (۲۱) .

قَالَ خذْهَا وَلَا تُخَفِّفْ سَنُفِئِدُهَا لِي بِرَبِّهَا الْأُولَى ۱۵

وبهم آردستِ خودرا بسوی بغل خود  
تابیرون آید سفید شده از غیر عیبی نشانی  
دیگر (۲۲) .

وَأَضْمُرْ يَدَاكَ إِلَى جُنْحِكَ فَخُرُوبٌ بَيْضَاءٌ مِنْ غَيْرِ سَوَاءِ آيَةٍ  
أُخْرَى ۱۵

میخواهیم که بنمائیم ترابعض نشانه های  
بزرگِ خویش (۲۳) .

لِيُؤْيِكَ مِنَ الْيَتِيمِ الْكَلْبِيِّ ۱۵

بروبسوی فرعون هر آئینه وی از حد گذشته  
است (۲۴) .

إِذْ هَبَّ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۱۵

گفت ای پروردگار من کشاده کن برای  
من سینه مرا (۲۵) .

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ۱۵

و آسان کن برای من کار مرا (۲۶) .

وَيَبِّرْ لِي بُرْيِي ۱۵

بکشای گره از زبان من (۲۷) .

وَاحْمِلْ عُقْدَةَ مِنَ لَسَانِي ۱۵

تا بفهمند سخن من (۲۸) .

يَفْقَهُوا قَوْلِي ۱۵

ومقررکن برای من وزیری از اهل من  
(۲۹) .

وَاجْعَلْ لِي وَاخِرًا مِنْ أُمَّةٍ ۱۵

هارون برادر مرا (۳۰) .

هُرُونَ أَخِي ۱۵

محکم کن بسبب اوتوانائی مرا (۳۱) .

اسْتَدْرِيهِ آذُنِي ۱۵

وَأَشْرِكُهُ فِي آلِهِ ۝

و شريك كن اورا در كار من (۳۲) .

كِي تُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ۝

تا تسبيح تو گوئيم بسيارى (۳۳) .

وَنَذُرُكَ كَثِيرًا ۝

وياد تو كنيم بسيارى (۳۴) .

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ۝

هر آئينه تو هستى باحوال ما بينا (۳۵) .

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ۝

گفت هر آئينه داده شدى درخواست خود

اى موسى (۳۶) .

وَلَعَدْنَاكَ مَعَنا عَلَيْهِ مَرَّةً أُخْرَى ۝

وهر آئينه احسان كرديم برتويك بارديگر

(۳۷) .

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۝

چون الهام فرستاديم بسوى مادر تو آنچه

الهام كردنى بود (۳۸) .

أَن آفَنِي فِيهِ فِي النَّبُوتِ فَأَقْدِفِي فِي الْيَمِّ فَلْيَلْقِهِ الْبِيعُ

كه بافكن اين طفل را در صندوق پس

بِالسَّاحِلِ يَا خُدَّةَ عَدُوِّي وَعَدُوْلَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ عَجَبَةٌ

افكن صندوق را در دريا تا بيفگند اورا

يَتِيَّةٌ وَيُلْصِقُكُمْ عَلَىٰ عَيْتِي ۝

در يابكناره بگيردش دشمن من و دشمن

وى و بافگندم بر روى تو قبول از جانب

خويش و خواستم كه پرورده شوى زير

نظارت چشم من (۳۹) .

إِذْ نَسِيْتُ آخُتَكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ

چون مى رفت خواهر تو پس مى گفت

فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَوَقَّاتٌ لِّ

آيادالت كنم شمارا بر كسيكه نگاهبانى

نَفْسِكَ فَصَبْرُكَ مِنَ الْعَمْرِ وَقَدَيْتُكَ فُتُوًّا فَكَيْدَتِ سِينَانَ

اين طفل كند پس باز آورديم ترا بسوى

فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ۚ لَمْ تَجِدْ عَلَىٰ قَدَرٍ يُّوسَىٰ ۝

مادرتو تا خنك شود چشم وى و اندوهگين

نباشد و بكشتى شخصى را پس خلاص

ساختيم ترا از اندوه و آزموديم ترا آزمودنى

پس درنگ كردى سالهاى چند در اهل

مدين باز آمدى موافق تقدير الهى اى

موسى (۴۰) .

وَأَصْطَفَيْنَاكَ لِنُفِي ۝

و ساختم ترا براى خويش (۴۱) .

إِذْ هَبَّ آتَاكَ وَالْحَوْلُ بِالْجَبِّ وَاللَّيْنُ بِالْجَبِّ وَكُرِي ۝

بروتو و برادر تو بانسانه هاى من و سستى

نكنيد درياد من (۴۲) .

بروبسوی فرعون هرآئینه وی از حد گذشته است (۴۳) .

پس بگوئید باوی سخن نرم بود که پندپذیر شود یا بترسد (۴۴) .

گفتند ای پروردگارا هرآئینه مامی ترسیم از آنکه تعدی کند برمایا از حد گذرد (۴۵) .

گفت مترسید هرآئینه من باشمایم می شنوم ومی بینم (۴۶) .

پس بروید پیش وی پس بگوئید هرآئینه مافرستادگان پروردگار توایم پس بفرست بامابنی اسرائیل را وعذاب مکن ایشان را هرآئینه آوردیم پیش تونشانه از جانب پروردگارتو وسلامتی کسی راست که پیروی راه هدایت کند (۴۷) .

هرآئینه وحی فرستاده شد بسوی ما که عذاب کسی را باشد که دروغ شمرد وروگردان شود<sup>(۱)</sup> (۴۸) .

فرعون گفت پس کیست پروردگار شماای موسی' (۴۹) .

گفت پروردگارمانست که دادهر چیزی را صورت خالص اوبازراه نمودش (بطلب معاش خودش) (۵۰) .

گفت پس چیست حال قرنهای نخستین (۵۱) .

گفت علم آن نزدیک پروردگارمن ست در کتابی که خطا نه کند پروردگارمن ونه

إِذْ هَبَّ أَلَىٰ فِرْعَوْنَ رِيَّةَ طُغْيٰٓءٍ ۝

فَقُولَ لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۝

قَالَ رَبِّ إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا وَأَنْ يَطْفِئَ ۝

قَالَ لَأَنظُرَنَّكَ فَإِنِّي مَعْلَمٌ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ۝

فَأَنبِئْهُ قَوْلًا زَاكِرًا مُّوَلَّيْكَ فَإِنِّي لَمَعَانِي ۝  
إِسْرَءِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِالْبَيِّنَاتِ ۝  
وَأَلَسَلَّمُ عَلَىٰ مَنْ آتَمَعَ الْهُدَىٰ ۝

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يُوسَىٰ ۝

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۝

قَالَ فَاَبَالِ الْغُرُوبِ الْاَوَّلِ ۝

قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَىٰ ۝

(۱) القصه این پیغام رسانیدند .

فراموش سازد (۵۲) .

او آنست که ساخت برای شما زمین را  
فرش و روان کرد برای شما در آن راه ها  
و فرورفتاد از آسمان آب را پس بیرون  
آوردیم بآن آب انواع مختلف از نبات  
(۵۳) .

گفتم بخورید و بچرانید چهار پایان  
خود را هر آینه درین مقدمه نشانه هاست  
خداوندان خردها را (۵۴) .

از زمین آفریدیم شمارا و در زمین  
باز در آیم شمارا و از زمین بیرون کشیم  
شمارا بار دیگر (۵۵) .

و هر آینه نمودیم فرعون را نشانه های  
خویش تمام آن پس دروغ بشمرد و قبول  
نکرد (۵۶) .

گفت آیا آمده ای تا بیرون کنی ما را از زمین  
ما بجادوی خود ای موسی (۵۷) .

پس هر آینه بیاریم پیش تو جادوئی مانند  
آن پس معین کن میان ما و میان خود و عده  
گاهی که خلاف نکنیم آنرا ما و نه تو بجائی  
میان شهر (۵۸) .

گفت و عده گاه شما روز آرائش است  
و آنکه جمع کرده شوند مردمان وقت  
چاشتگاه (۵۹) .

پس باز گشت فرعون پس جمع کرد  
مکر خود را باز بیامد (۶۰) .

گفت موسی ساحران را وای بر شما افتراء  
مکنید بر خدا دروغ را آنگاه هلاک سازد  
شمارا بعذاب و هر آینه بمطلب نرسید

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَوَّاهَا سُبُلًا  
وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ۝۵۲

كُلُوا وَارْزُقُوا الْعَالَمِينَ ۝۵۳ فِي ذَلِكَ الْآيَاتِ لَأُولَى التَّنْذِيرِ ۝۵۴

مِمَّا خَلَقْتُمْ فِيهَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَاهُم تَارَةً أُخْرَى ۝۵۵

وَلَعْنَةُ رَبِّنَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝۵۶

قَالَ أَجْعَلُنَا لَعْنَتَكَ مِثْلَ لَعْنَةِ يُسُوفَ ۝۵۷

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ

مَوْعِدًا آخِيفَةً لَّنْ عَنَّا وَلَا تَأْتِ مَكَانًا سُوًى ۝۵۸

قَالَ مَوْعِدًا لَّكُمْ يَوْمَ الرِّيبَةِ وَأَنْ يُخَيَّرَ النَّاسُ ضَعْفَى ۝۵۹

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ۝۶۰

قَالَ لَهُمُ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَنْفَرُوا إِلَى اللَّهِ كَرِبًا

فَيُسْجَنَكُمْ بَعْدَ آيَةٍ وَقَدْ أَخَابَ مَن دُونِي ۝۶۱

هر که افتراء کرد (٦١) .

پس گفتگو کردند ساحران درباره کار خود  
در میان خویش و پنهان گفتند راز را (٦٢) .

گفتند البته این دوشخص ساحران اند می  
خواهند که بیرون کنند شمارا از سرزمین  
شما بسحر خود و می خواهند که دور  
کنند دین شائسته شمارا (٦٣) .

پس بهم آرید اسباب سحر خود را باز بیایید  
صف کشیده و هر آئینه رستگار شود امروز  
هر که غالب آید (٦٤) .

گفتند ای موسی' یا اینست که توافگنی  
یعنی عصارا و یاباشیم ما اول کسیکه  
افگند (٦٥) .

گفت بلکه شما افگنید پس ناگهان  
ریسمانهای ایشان و عصاهای ایشان  
نمودارشد پیش موسی' بسبب سحر ایشان  
که می دوند (٦٦) .

پس یافت در ضمیر خود موسی' ترسی را  
(٦٧) .

گفتیم مترس هر آئینه توئی غالب (٦٨) .  
و بیفگن آنچه در دست راست تست  
تافرورد آنچه را که ساحران ساخته اند  
هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو  
کننده است و رستگار نمی شود ساحر  
هر جاکه رود (القصه هم چنین شد)  
(٦٩) .

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان  
گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون  
و موسی' (٧٠) .

فَتَنَّا رَعْوَاهُمْ بَيْنَهُمْ وَآسَرُوا الْعَجْوَى ۝

قَالُوا إِنَّ هَٰذِهِ لَسِحْرُ بَرِيدِنَ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ

أَرْضِهِمْ بِعَجْرِهِمَا وَيَدَّ هَبَابٍ طَرِيفَتُهُ الْمَثَلِي ۝

فَأَجِيبُوا كَيْدَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ لِمَا صَنَعُوا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ۝

قَالَ الْيُوسُفُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنِّي لَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْفَى ۝

قَالَ بَلِ الْقَوْمُ إِذَا ذُجِبَا لَهُمْ وَعَصِيَهُمْ مُغْتَبِلُ الْيَوْمِ مِنْ بَحْرِهِمْ  
أَنَّهُمْ اسْتَعْلَى ۝

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةَ مُوسَى ۝

فَلَمَّا كَفَّتْ لِكَافٍ أَنْتَ الْأَعْلَى ۝

وَأَلْفَى مَا فِي رَيْبِيكَ تَلَفْتَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سِحْرٍ

وَلَا يُغْنِي السَّاحِرُ حَبِطَهُ أَلْفَى ۝

فَأَلْفَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالَ أَلَمْ يَأْتِ رَبَّهُمْ هُرُونٌ وَمُوسَى ۝

گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه دستوری دهم شما را هرآئینه وی بزرگ شماسست که آموخته است شماراسحر هرآئینه ببرم دست های شما وپاهای شما را یکی ازجانب راست ودیگرازجانب چپ والبته بردارکشم شما را برتنه های درخت خرماوالبته خواهید دانست که کدام يك ازماسخت ترست عذاب او وپاینده ترست (۷۱) .

گفتند هرگز ترجیح ندهیم ترا برآنچه آمده ست پیش ماازدلایل وترجیح ندهیم ترا برخدائی که آفریدمارا پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که حکم کنی درین زندگانی دنیا (۷۲) .

هرآئینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش تابیا مرزد برای ما گناهانِ ما را وآنچه جبرکردی ما را برآنکه سحر کنیم وخدا بهترست وپاینده ترست (۷۳) .

هرآئینه هرکه بیاید پیش پروردگار خویش گنهگار پس اوراست دوزخ نمیردآنجاونه زنده شود (۷۴) .

وآنکه بیاید پیش اومسلمان شده وعملهای شائسته کرده پس این جماعت ایشان راست درجه های بلند (۷۵) .

بوستانهای همیشه ماندن می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا واینست جزای هرکه پاك شده است (۷۶) .

وهرآئینه وحی فرستادیم بسوی موسی که وقت شب ببر بندگان مرا پس بساز برای

قَالَ أَنتُمْ أَقْبَلُ أَنْ أَدْنَى لِكُرْسِيِّكَ لِكَيْ يُرَى الَّذِي عَلِمْتَ  
السَّحْرَ فَلَا تَطْعَمْنَ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا تَصِلُكُمْ  
فِي جُلُودِ الْعُلَى وَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَنشَأْنَا عَذَابًا وَأَبْلَى ۝۴۱

قَالُوا لَنْ نُؤْمِرَ بِعَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَهْتِيبِ وَالَّذِي قَطَرْنَا  
فَأَطِيعُوا مَا آتَتْ قَائِلٌ إِنَّمَا تَقْوَىٰ هَذِهِ الْغَيْبَةَ الدُّنْيَا ۝۴۲

إِنَّا أَنشَأْنَا لَكُمْ لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَاتِنَا وَمَا آوَيْنَا عَلَيْهَا  
مِنَ السَّحْرِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِأَبْلَى ۝۴۳

إِنَّهُ مِنْ بَيَاتِ رَبِّهِ غُيُومًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ  
فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ۝۴۴

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ  
لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ۝۴۵

جَدَّتْ سَدَنٌ مِّنْ عَمْرٍو مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ  
فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَلَّىٰ ۝۴۶

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ



ایشان راه خشک در دریا مترس از دریا فتن دشمن و سواس نه کنی از غرق شدن . (٧٧)

پس تعاقب ایشان کرد فرعون بالشکر های خویش پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه پوشانید ایشان را (٧٨) .

وگمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نه نمود (٧٩) .

گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه نجات دادیم شمارا از دشمنان شما و وعده دادیم شمارا<sup>(١)</sup> بجانب راست طور و فرورستادیم بر شما من و سلوی (٨٠) .

گفتیم بخورید از لذات آنچه روزی دادیم شمارا و از حد مگذرید در باب آن روزی آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شد بروی خشم من البته هلاک شد . (٨١)

و هر آئینه من آمرزنده ام کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کارشائسته کرد باز راه راست یافت (٨٢) .

و چه<sup>(٢)</sup> چیز بشتاب آورد ترا غافل مانده از قوم خود ای موسی (٨٣) .

گفت قوم من ایشان اند بر بی من و شتافتن بسوی تو ای پروردگار من

لَهُمْ طَرِيقًا الْبَحْرِ يَبِئْسَ الْأَتْخَفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ۝

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودٍ فَفَشَّيْهِمْ مِنْ آلَيْهِ مَا غَشِيَهُمْ ۝

وَأَصَلَ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَاهَدَى ۝

يُنَبِّئُ إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكَ مِنَ عَدُوِّكَ وَوَعَدْنَاكَ حَاجِبَ السُّورِ الْأَيْمَنِ وَتَوَلَّيْنَا عَلَيْكَ الْغَنَاءَ وَالسَّلْوَى ۝

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحَبِّئَ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْبِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ۝

وَأَنَّى لِعَفَاؤِ مَنْ تَابَ وَامِنْ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ۝

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوسَى ۝

قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَشْرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ۝

(١) یعنی بدادن تورات .

(٢) مترجم گوید چون موسی با هفتاد کس از قوم خود بجانب طور متوجه شد حضرت موسی از همه سبقت کرد خطاب رسید والله اعلم .

تاخوشنودشوی (٨٤) .

گفت خداهر آئینه مادر فتنه انداختیم قوم  
ترا پس از تو وگمراه ساخت ایشان را  
سامری (٨٥) .

پس بازگشت موسی بسوی قوم خود  
خشم گرفته اندوه خورده گفت ای قوم من  
آیا وعده نداده بودشمارا پروردگار شما  
وعده نیک آیا درازشد بر شما مدت (١) یا  
خواستید که واجب شود بر شما خشمی  
از پروردگار شما پس خلاف کردید وعده  
مرا (٨٦) .

گفتند خلاف نه کردیم وعده ترا باختیار  
خویش ولیکن مارا تکلیف کردند  
تا برداشتیم بارها از پیرایه قوم قبط پس  
افگندیم آنرا (٢) وهم چنین افگند سامری  
(٨٧) .

باز بیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی  
که او را آواز گوساله بود پس گفتند اتباع  
سامری اینست پروردگار شما و  
پروردگار موسی پس فراموش کرده است  
موسی (٨٨) .

آیامی دیدند این گمراهان که بازمی  
گرداند بسوی ایشان سخنی را ونمی تواند  
برای ایشان هیچ زبانی ونه سودی (٨٩) .

وهر آئینه گفته بودایشان را هارون پیش

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ  
وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ۝

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ  
أَلَمْ يَجِدْكُمْ يَتِيمًا وَعَدَّكُمْ حَسَنًا وَقَطَّالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ  
أَمْ آذَنْتُمْ أَنْ يَتِيمًا عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ  
فَأَخْلَفْتُمُوهُ يَهُودِي ۝

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا آوَارًا وَمِن زِينَةِ  
الْقَوْمِ فَقَدْ فُتِنَ فَاذْنَابُكَ أَلْفَى السَّامِرِيُّ ۝

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا آلِهَةً خَوَّافُوا هَذَا إِلَهًا لَهُمْ  
وَاللَّهُ مُوسَىٰ ذُنُوبِي ۝

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُرْجَمُونَ قَوْلًا وَلَا تَبْلُغَ  
لَهُمْ صَرْوَةً وَلَا نَعْمًا ۝

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ

(١) یعنی مدت مفارقت من .

(٢) یعنی در آتش .

ازین ای قوم من جزاین نیست که مبتلا شده اید باین گوساله وهر آئینه پروردگار شما خداست پس پیروی کنید وانقیاد حکم من نمائید (۹۰) .

گفتند همیشه مجاور خواهیم بود براین گوساله تاوقتیکه بازآید بسوی ما موسیٰ گفتند (۹۱) .

موسیٰ آمده گفت ای هارون چه چیز بازداشت ترا چون دیدی ایشان را گمراه شدند (۹۲) .

ازآنکه پیروی من کنی (۱) آیاخلاف حکم من کردی (۹۳) .

گفت ای پسر مادرم من مگیر ریش مرا و نه موی سر مرا هر آئینه من ترسیدم ازآنکه گوئی جدائی افگندی در میان فرزندان یعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا (۹۴) .

گفت موسیٰ پس چیست حال تو ای سامری (۹۵) .

گفت بیناشدم بآنچه سائر مردم بینانه شدند بان پس گرفتم مشتی خاك از نقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) پس افگندم آنرا (۲) وبهمین صفت بیاراست پیش من نفس من (۹۶) .

گفت پس بروهر آئینه ترادرزندگانی سزاینست که گوئی دست رسانیدن

رَبِّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَالْتَمِعُوْنِيْ وَاطِيعُوْا اَمْرِيْ ۝۱۰

قَالَ اَلَنْ تَتَّبِعُوْنَ عَلِيْهِمْ عَلٰفِيْنَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوسٰى ۝۱۱

قَالَ يٰهٰرُوْنُ مَا مَنَعَكَ اِذْ رَاَيْتَهُمْ ضَلُّوْا ۝۱۲

اَلَا تَتَّبِعُنِ اَنْعَصَيْتَ اَمْرِيْ ۝۱۳

قَالَ سَبِّحُوْا مَا لَا تَاْخُذُ بِحِجَابِيْ وَلَا يَرٰىنِيْ اِلَّا خَشِيْتُ اَنْ تَقُوْلَ فَرَقْتُ بَيْنَ بَنِيْ اِسْرٰءٰىلَ وَاَمْ تَرْجُبُوْنِيْ ۝۱۴

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يٰسَامِرِيُّ ۝۱۵

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوْا بِهٖ نَفَعْتُ كَبۜشَةَ مِنْ اَثَرِ الرَّسُوْلِ فَنَبَذُوْهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلْتُ لِيْ نَفْسِيْ ۝۱۶

قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ اَنْ تَقُوْلَ لَا مَسَاسَ ۝۱۷

(۱) یعنی بقتال اهل ضلال .

(۲) یعنی در کالبدی که از زرساخته بود بشکل گوساله .

ممکن نیست<sup>(۱)</sup> وهرآئینه ترا وعده دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و بین بسوی معبود خود که مجاور شده بودی برآن البته بسوزانیم آن را پس حتما پراکنده سازیم آن را در دریا پراکنده ساختن (۹۷) .

جزاین نیست که معبود شما خدا است آنکه نیست هیچ معبود بحق بجز او فرا رسیده است بهرچیز از روی دانش (۹۸) .

(یا محمد) این چنین حکایت می کنیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است وهرآئینه داده ایم ترا از نزدیک خویش پندی (۹۹) .

هرکه رو بگرداند از آن پس وی بردارد در روز قیامت باری را<sup>(۲)</sup> (۱۰۰) .

جاویدان در آن (بارکشیدن) و وی بدباری است ایشان را روز قیامت بارکشیدن (۱۰۱) .

روزی که دمیده شود در صور و برانگیزیم گناهگاران را آن روز کبود چشم گشته (۱۰۲) .

پنهان حرف زنند در میان خویش که درنگ نه کردید یعنی در دنیا مگر ده شبانه روز (۱۰۳) .

ماداناتریم بحقیقت آنچه می گویند چون بگویند بهترین ایشان در روش درنگ

وَأَنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ نُخَلِّفَهُ وَأَنْظُرَ إِلَى الْهَيْكَلِ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ مَالِكًا نَحْرُوتَهُ ثُمَّ لَنَنْصِفَنَّهُ فِي الْيَوْمِ نَسْفًا ۝۹۷

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝۹۸

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ قَبْلُ مَا تَرَىٰ ذِكْرًا ۝۹۹

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ۝۱۰۰

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۝۱۰۱

يَوْمَ نَعْفُو فِي الصُّورِ نَحْنُ الْمُبْرِزِينَ يَوْمَئِذٍ نَدَقًا ۝۱۰۲

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝۱۰۳

عَنْ أَعْمُرٍ إِذْ يَقُولُ لِإِثْمَانَ أَتَمَلَّكَ طَبِيعَةً أُنْزِلَ فِي الْأَبْوَابِ ۝۱۰۴

(۱) یعنی اگر با کسی همنشین شدی هر دوراتب می گرفت .

(۲) یعنی گناهی را .

نکرده اید مگر یک روز (١٠٤) .

ومی پرسند ترا از کوهها بگو پرا گنده  
کنند آنها را پروردگار من پرا گنده کردن  
(١٠٥) .

پس بگذارد زمین را میدانی هموار (١٠٦) .  
نه بینی در آنجا هیچ کجی و نه هیچ بلندی  
(١٠٧) .

آن روز از پی آواز کننده روند<sup>(١)</sup> هیچ  
کجی نباشد آن اتباع را و پست شوند آواز  
ها برای خدا پس نشنوی مگر آواز نرم (پیچ  
(١٠٨) پیچ) .

آن روز نفع نه دهد شفاعت مگر برای  
کسیکه دستوری داده است خدا او را  
و پسند کرده ست او را از روی گفتار<sup>(٢)</sup>  
(١٠٩) .

میداند آنچه پیش روی آدمیان ست و آنچه  
پس پشت ایشان است و آدمیان درنگیرند  
خدا را از روی دانش (١١٠) .

و نیایش کنند چهره های مردمان برای  
زنده خبرگیرنده هر آئینه بمطلب  
نرسیده هر که برداشت ستم را (١١١) .

و هر که بجا آورد کارهای شائسته  
و او مومن باشد پس وی نترسد از ستمی  
و نه از نقصانی (١١٢) .

و همچنین فر فرستادیم کتاب را قرآن

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۝١٠٤

فَيَذَرُهَا قَانًا فَصَفَصَفًا ۝١٠٥

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِجَابًا وَلَا أَمْثَالَ ۝١٠٦

يَوْمَ يَدْعِيكَ يَيُّوعُونَ ۝١٠٧

الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۝١٠٨

يَوْمَ يَدْعِيكَ يَتَّبِعُهُ الشَّفَاعَةُ ۝١٠٩

لَهُ قَوْلًا ۝١١٠

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ ۝١١١

وَعَدَّتِ الْجُودُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۝١١٢

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الظُّلُمَاتِ يَأْكُلْهَا وَيَأْكُلُهَا ۝١١٣

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ

(١) یعنی انقیاد اسرافیل کنند .

(٢) یعنی مسلمان باشد .

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ أَلَمْ يَذْكُرُوا ﴿١١٣﴾

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَى وَلَمْ نُجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

وَأَذَقْنَا لِلْمَلِكَةِ اسْمِعِيلَ وَالْإِدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾

فَقَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا تَخْرُجْ مَعَهُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْفَى ﴿١١٧﴾

إِنَّ لَكَ الْأَشْجُورَ عَرَبِيَّهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾

وَأَنَّكَ لَا تَظُنُّوهُمَا وَلَا تَفْضَى ﴿١١٩﴾

فَوَسَّوَسَ الْبَیِّهَ الشَّیْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَیْسَ لَیْلٍ ﴿١٢٠﴾

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَّتْ لَهَا سَائِجُهُمَا وَطَفِقَا يَخْضَعْنَ عَلَيْهِمَا

عربی وگوناگون بیان کردیم اندرآن ترسانیدن را تابوده که پرهیز گارشوند یاپیدا کننددرحق ایشان پندرا (۱۱۳) .

پس بلند قدرست خدایادشاه ثابت وشتابی مکن بخواندن قرآن پیش ازآن که بانجام رسانیده شود بسوی تو وحی او وبگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانشی (۱۱۴) .

وهرآئینه حکم فرستادیم بسوی آدم پیش ازین پس فراموش کرد و نیافتیم برای او قصد محکم (۱۱۵) .

ویادکن چون گفتیم فرشتگان راکه سجده کنید برای آدم (علیه السلام) پس سجده کردند مگرابلیس قبول نه کرد (۱۱۶) .

پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن ست ترا و زن ترا پس باید که بیرون نه کند شمارا ازبهشت که آنگاه رنج کشی (۱۱۷) .

هرآئینه ترا هست دربهشت این که گرسنه نشوی درآنجا و برهنه نشوی (۱۱۸) .

وآنکه توتشنه نشوی آنجا وگرمی آفتاب نیابی (۱۱۹) .

پس وسوسه انداخت بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیادالت کنم ترا بردرخت همیشه بودن وبرپادشاهی که کهنه نه گردد (۱۲۰) .

پس خوردند ازآن درخت پس ظاهر شدایشان را شرمگاه ایشان ودرگرفتند که می چسپانیدند برخویش ازبرگ درختان

مِن دَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى أَمْرِيهِ فَغَوَى ﴿۳۱﴾

تَوَجَّهَتْهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿۳۲﴾

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَإِنَّمَا بَأْسُكُمْ  
مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَصِلُ إِلَىٰ شِقَاقِ ﴿۳۳﴾

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا  
وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿۳۴﴾

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿۳۵﴾

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَهَا فَوَكَّأْتَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى ﴿۳۶﴾

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَوْ يُدْرِكُ الْيَاقُونَِي رَبِّهِ وَعَذَابُ  
الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿۳۷﴾

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ إِذْ هَلَّلْنَا بَتِائِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَشْتُونَ  
فِي سُرُكِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿۳۸﴾

وَأُولَٰئِكَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لِمَآؤُهُمْ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿۳۹﴾

بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خود را  
پس گم کرد راه را (۱۲۱) .

باز برگزیدش پروردگار او پس (برحمت)  
باز گشت بروی و راه نمود (۱۲۲) .

گفت فرورید شما هر دو ازین بهشت  
بعض اولاد شما بعض دیگر را دشمن  
باشند پس اگر بیاید بشما از جانب من  
هدایتی پس هر که پیروی هدایت من کند  
گمراه نشود و رنج نکشد (۱۲۳) .

و هر که روگردان شود از یاد کردن من پس  
اورا بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزیم  
اورا روز قیامت (۱۲۴) .

گوید ای پروردگار من چرا نابینا  
برانگیختی مرا و هر آئینه پیش ازین  
بینا بودم (۱۲۵) .

گوید همچنین آمد بتو آیاتهای ما پس تغافل  
کردی از آن و همچنین امروز تغافل کرده  
شود در حق تو (۱۲۶) .

و همچنین سزایمیدهم آن را که از حد  
گذشت و ایمان نیاورد بآیات پروردگار  
خود و هر آئینه عذاب آخرت سخت  
تر و پابنده ترست (۱۲۷) .

آیاره نه نمود ایشان را آنکه بسیار هلاک  
کردیم پیش ایشان از طبقات مردمان را  
می روند در منازل آن هلاک شدگان  
هر آئینه درین مقدمه نشانهاست خداوندان  
خرد را (۱۲۸) .

و اگر نبودی سختی که سابقاً صادر شد  
از پروردگارتو و نبودی وقتی معین

هرآئینه عذاب لازم شدی (۱۲۹) .

پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح گوباحمد پروردگار خویش پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فروشدن آن و بعض ساعت‌های شب و اطراف روز تسبیح گو بود که خوشنودشوی (۱۳۰) .

و بازمکشای دو چشم خود را بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعت هارا از ایشان از قسم آرایش زندگانی دنیا تا بیآزمائیم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهترست و پابنده ترست (۱۳۱) .

و بفرما اهل خود را به نماز و شکیبائی کن برادای آن نمی طلبیم از تو روزی دادن ما روزی می دهیم ترا و عاقبت خیر اهل تقوی راست (۱۳۲) .

و گفتند کافران چرانمی آرد پیش ما نشانه ای از جانب پروردگار خویش آیانیا آمده است بایشان دلیل واضح از جنس آنچه در کتابهای پیشین است<sup>(۱)</sup> (۱۳۳) .

و اگر ما هلاک کردیم ایشان را بعقوبتی پیش از فرستادن پیغامبر هرآئینه گفتند ای پروردگار چرانه فرستادی بسوی ما پیغمبری تا پیروی آیات تومی کردیم پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم (۱۳۴) .

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يُلْقُونَ وَيَعْبَرْ بِمَدْرَبِكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَآءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿۱۲۹﴾

وَلَا تَدْعَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنَّمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِيَفْتِنَهُمْ فَبِعِزَّتِكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿۱۳۱﴾

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْتَأْذِنُ رِزْقًا أَخْرَجْنَا الرِّجَالَ وَالْعِزَّةَ لِلتَّقْوَىٰ ﴿۱۳۲﴾

وَقَالُوا لَوْلَا آيَاتُنَا آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ أَوَّلَتْ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مِّنَ الضُّمُنِ الْأُولَىٰ ﴿۱۳۳﴾

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَسُدَّكَ وَنَحْنُ ﴿۱۳۴﴾

(۱) یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه .



بگوهریک منتظرست پس شما نیز منتظر باشید پس خواهید دانست کیانند اهل راه راست و که راه یافت (۱۳۵) .

سوره انبیاء مکی است و آن یک صلوة و ازده آیت و هفت رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

نزدیک شد به مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت روگردانند (۱) .

نمی آید بایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده مگر بشنوند آن را بازی کنان (۲) .

غافل شده دل های ایشان و پنهان راز گفتند ایشان این ظالمان که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا اقبال می کنید سحر و شمامی بینید (۳) .

گفت پیغامبر پروردگار من می داند هر سخنی را که در آسمان و زمین باشد و او شنوا داناست (۴) .

بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان ست بلکه می گویند بر بسته است آنرا بلکه می گویند او شاعرست پس باید که بیار دپیش مانشانه چنان که فرستاده شدند بآن نخستینیان<sup>(۱)</sup> (۵) .

ایمان نیاورده بود پیش از ایشان هیچ دیهی که هلاک کردیم آن را آیا ایشان

قُلْ كُلٌّ مُرْتَبِعٌ فَارْتَبِعُوا فَمَا تَعْلَمُونَ  
مَنْ أَضْعَبُ الْقَوَارِطِ السَّيِّئَةِ وَمَنْ اهْتَدَى ۝



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ  
مُعْرِضُونَ ۝

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّكَ مُخَيَّرًا لَهُمْ عَوُوا  
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأَ السَّجُودِ الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا  
إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ ۝

قُلْ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝

بَلْ قَالُوا أَضْعَافٌ أُحْلَمُ مِنْ قَوْلِهِ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا  
بِآيَةٍ كَمَا آتَىٰ إِبْرَاهِيمَ الْاَوَّلُونَ ۝

مَا آتَيْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ نَوْءٍ أَهْلَكَهُمْ إِلَّا هُم يُؤْمِنُونَ ۝

(۱) مترجم گوید مراد از نشانه عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح و صرصر قوم هود والله اعلم .